

واکاوی حس تعلق به مکان در خانه‌های تاریخی مازندران؛ نمونه موردی: خانه صیامیان گرچی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

کد مقاله: ۳۶۸۳۳

شیوا اسدی گرچی^{*۱}

چکیده

بیان مسئله: حس تعلق به مکان تنها به احساس راحتی در یک محیط اطلاق نمی‌شود، بلکه با داشتن معانی فرهنگی و اجتماعی از مکانی خاص یادآور تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌گردد. با به میان آمدن بحث معماری سنتی خانه‌های ایرانی ناخودآگاه معانی هویت و دلستگی به فضای معماری به ذهن خطور می‌کند، تداعی معانی یک فضای سنتی معماری بدون داشتن احساس تعلق خاطر امری غیر ممکن می‌انگارد. هدف پژوهش: هدف اصلی مقاله واکائی حس تعلق به مکان در خانه تاریخی صیامیان گرچی می‌باشد. روش پژوهش: مطالعات به صورت میدانی- کتابخانه‌ای انجام شده و نتایج پژوهش از این دو روش، از طریق مطالعات ادبیات موجود استخراج شده است. نتیجه‌گیری: متغیرهای زیادی در حس تعلق به مکان در ساکنین خانه تاریخی صیامیان دخیل بوده، منجمله شکل و اندازه عناصر و روابط و چیدمان و ... که برای ساکنین از سایر موارد مثل امکانات با اهمیت تر بوده است. در خانه های سنتی به سبب وجود فضاهای معماری کارآمد و استفاده از تزئینات مناسب، زیبا و طراحی تکامل یافته که در طول تاریخ معماری به وجود آمده است، از دید ساکنان معنای خانه بودن و حس تعلق به مکان را بیشتر القا می‌کند.

واژگان کلیدی: حس مکان، خانه، تاریخی، مازندران، صیامیان گرچی

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

تعلق مکانی به رابطه شناختی با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می شود و در واقع دل بستگی به مکان رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می دهد. در بسیاری از ادبیات مرتبط با مکان، مفهوم مکان اغلب بر حس تعلق یا وابستگی احساسی به یک مکان تاکید دارد (عابدی، ۱۳۹۸). رلف جغرافی دان پدیدارشناس در تعریف مکان تاکید می کند که مکان ها برخلاف فضا انتزاعی نبوده، بلکه مفاهیمی هستند که به طور مستقیم از جهان تجربه می شوند؛ بنابراین مکان ها سرشار از معانی، چیزهای واقعی و فعالیت های جاری در آن ها هستند. در واقع از تعریف رلف این گونه می توان نتیجه گرفت که یک مکان واقعی فضایی است که تحت الشعاع معانی آن قرار دارد. رلف هشدار می دهد که انکار جنبه های معنایی از مکان یا به عبارتی دیگر حذف معنا از مکان و تقلیل آن به فضا است که بی مکانی را به وجود خواهد آورد (پاکزاد، ۱۳۹۰). و هنر معماری وظیفه دارد با ساختن خلاقانه مکان، خصوصیات محیط را گردآوری کرده و در مکان نشان دهد. چه بسا، زمانی معماری سنتی اسلامی- ایرانی، در این زمینه حرفهای زیادی برای گفتن داشت؛ ولی امروزه با گذر در خیابان ها و کوچه های شهر هویت اصیل خود را فراموش شده می بیند (صافیان، ۱۳۹۰). هدف این مقاله بررسی حس تعلق به مکان در خانه تاریخی صیامیان گرچی می باشد. با توجه به معماری حاضر پرداختن به چنین پژوهشهایی نقش مهمی در شناخت اصول حاکم بر معماری سنتی کشور دارد و طراحان و معماران معاصر می توانند با شناخت این اصول، حس تعلق به مکان را برای ساکنین مجتمع های مسکونی امروزی به عنوان الگوی غالب مسکن شهری معاصر کشور ارتقا بخشند.

۲- پیشینه تحقیق

از جمله کتابهایی که در رابطه به حس مکان نگاشته شده است کتاب آقای علی یار ابراهیمی وفائی است با عنوان حس تعلق به مکان (در طراحی مجتمع های مسکونی). کتاب فوق در سال ۱۳۹۷ در شش فصل نگاشته شده است. در این کتاب ابتدا به مفهوم مسکن و به منشا فرهنگی مجتمع های زیستی اشاره می شود و سپس حس مکان مبتنی بر نظریه های نگرش و نیاز انسان با توجه به هرم مازلو به مسکن مورد ارزیابی قرار می گیرد و به دنبال آن به تبیین جایگاه معماری در عصر حاضر معماری سنتی ایران با هدف حس تعلق به مکان پرداخته می شود.

مقاله ای با عنوان مطالعه مولفه های حس مکان در معماری از دیدگاه نوربرگ شورتر توسط محمدحسین عابدی و الناز ناصری تدوین شده که نگارندگان به تعریف و بررسی مولفه های تاثیرگذار بر حس مکان از دیدگاه شورلتر می پردازند. از آن جمله پایان نامه های مرتبط با موضوع که می توان به آن اشاره کرد: پایان نامه رساله دکتری رشته معماری، خانم مطهره سروش راد در سال ۱۴۰۲ دانشگاه تربیت مدرس می باشد که به حس مکان و فضای بینابینی در کالبد خانه های ایرانی پرداخته است، می باشد که در این رساله به روابط همبستگی معنادار میان نقش هندسه و تناسبات در ایجاد آسایش، نقش طبیعت در ارتباط با هستی اشاره می کند.

۳- ضرورت تحقیق

در تجربه زیسته افراد در خانه های ایرانی، به نظر می رسد حس تعلق به خانه قوی و معنادار بوده است؛ در حالیکه امروزه گاه از روی اجبار و گاه از روی غفلت، رشته های معنادار پیوند دهنده انسان به خانه به عنوان یک مکان، سست و غیر موثر گشته است. به خطر افتادن کیفیت حس مکان در ساکنین خانه است که ناشی از نبودن فصل مشترک میان هویت ساکنین و هویت خانه می باشد.

موضوع رابطه انسان با مکان و تعلق به مکان در دو مقوله تعلق انسان به مکان و تعلق مکان به انسان قابل بررسی است؛ که می توان آنها را تحت عنوان مراتب ارتباط با مکان تعریف کرد؛ و اهم آن ها عبارتند از: وحدت با مکان، پیوستگی با مکان، دل بستگی با مکان، بی توجهی به مکان، بی تفاوتی نسبت به مکان و تنفر از مکان. در همین قلمرو است که هویت مکان و ارتباط آن با هویت انسان مطرح می شود که تعیین کننده کیفیت و میزان تعلق انسان و مکان با یکدیگر است. لذا در رابطه تعلق انسان و مکان نسبت به یکدیگر، یکی از اصلی ترین موضوعاتی که این تعلق را به وجود می آورد، رابطه هویتی بین انسان و مکان است. هر چقدر هم پوشانی مولفه های هویتی انسان با مولفه های هویت مکان بیشتر باشد، احساس تعلق به مکان نیز تقویت خواهد شد. (سروش راد، ۱۴۰۲)

بنابراین، هیچ تحقیق کلی برای واکاوی حس تعلق به مکان در خانه تاریخی صیامیان گرچی انجام نشده است. چنین مطالعات مروری برای دانشجویان معماری ضروری به نظر می رسد تا به آن ها کمک کند مجتمع هایی را با توجه به حس تعلق به مکان طراحی کنند.

۴- ادبیات موضوع

۴-۱- تعریف مکان

مکان، محلی برای قرار یافتن و به آرامش رسیدن انسان سرگشته ای است که در طول هزاران سال تاریخ پر فراز و نشیب خویش، بارها و بارها به آفرینش آن دست یافته است (پرتوی، ۱۳۸۲). تفسیر معنای مکان، شامل تعامل پیچیده بین پاسخ های ادراکی، شناختی و عاطفی به محیط است و عوامل برخواسته از زمینه در این خصوص نقش بارزی دارند؛ چراکه درک انسان از مکان وابسته به فیزیک فضا و همچنین تجربه وی از آن است (منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). شناخت مکان را می توان به نوعی به شناخت هویت خود تعبیر نمود. با تعریف کردن مکان ها و شکل بخشیدن به آن (هندسه)، شناخت آنها قابل فهم شده و انسان مکان مرتبه خود را در این عالم کشف و هویت او نمایان می شود (حبیبی، ۱۳۸۷). رلف مکان را ترکیبی از اشیا طبیعی و انسان ساخت، فعالیت ها (عملکرد) و معانی می داند که تجربه آن می تواند در مقیاس وسیع از یک اتاق کوچک تا یک قاره را در بر داشته باشد (Relph، ۱۹۷۶). از نظر وی مکان واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت ها و معانی میباشد که آن را از حالت یک فضا خارج و به یک مکان با یک تجربه ذهنی برای فرد تبدیل می کند (فروزنده و همکاران، ۱۳۹۰). کارمونا در کتاب ارزشمند خود مکان را در یک مثلث سه قطبی حاصل برآیند سه عامل فعالیت، فرم و تصور فردی می داند که در یک مثلث تعاملی مکان را به وجود آورده و واجد دامنه های مختلف می باشد (Carmona، ۲۰۰۶).

۴-۲- ماهیت مکان

از آنجا که یکی از مولفه های سازنده مکان، زمان و تجربه انسان در فضا است که دائما در حال نو شدن است، مکان ماهیتی سیال، جاری و غیر ثابت پیدا می کند و ترکیب فضا و ادراک انسان از فضا ماهیت مکان را می سازد (منصوری، ۱۳۸۹).

۴-۳- فضا؛ مکان و احساس هویت

مکان به دلیل توانایی هویت سازی برای مردم بسیار اهمیت دارد. حس تعلق به مکان در درجه نخست به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن (تداوم داشتن) و به جمع تعلق داشتن است (گل محمدی، ۱۳۸۱). مکان و فضا مهم ترین عواملی هستند که این نیازهای هویتی را تامین می کنند. به عبارتی روشن تر، مرز پذیری و قابل تحدید بودن مکان این امکان را فراهم می کند که انسان ها با احساس متمایز بودن، ثبات داشتن و تعلق به جمع داشتن، امنیت و آرامش لازم را برای زندگی کسب کنند (سرمست و همکاران، ۱۳۸۹). احساس متمایز بودن از دیگران، نیازمند وجود مرزهای پایدار و کم و بیش نفوذناپذیر است. هر اندازه این مرزها و تفاوت های مبتنی بر آنها شفاف تر و دقیق تر باشد، نیاز به متمایز بودن از دیگران به خوبی تامین می شود. از آنجا که ترسیم چنین مرزها و تفاوت هایی از روی قلمرو مکانی و بازتولید و حفظ آنها آسان تر است، مکان و سرزمین به صورت بستری بسیار مناسب برای هویت سازی و تداوم بخشیدن به هویت و احساس تعلق داشتن به مکان در می آید (گل محمدی، ۱۳۸۱). مکان علاوه بر مرزپذیر و قابل تحدید بودن، ثبات نیز دارد؛ بنابراین با تامین نیاز به تداوم داشتن و پایدار بودن، منبعی مهم در تامین هویت به شمار می آید (Morley & RobinsT 1996). ویژگی دیگر مکان، تامین انسجام اجتماعی که احساس تعلق داشتن به جمع را ممکن می کند، می باشد (تاجیک، ۱۳۸۴).

۴-۴- حس تعلق به مکان

تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای می یابد. تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است (سرمست و همکاران، ۱۳۸۹). این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می داند و بر اساس تجربه های خود از نشانه هاف معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می سازد و مکان برای او قابل احترام می شود (Steele، ۱۹۸۱). بنابراین حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می کنند. این معنا که عمدتا برپایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می سازد. شولتز بیان می کند: هستی فضاها، از مکان ها است نه از خود فضا. بنابراین طراحی فضا به شناخت ما از مکان و آنچه حس مکان نامیده می شود، وابسته است (مدیری، ۱۳۸۷). حس تعلق دارای رویکردهای متفاوتی است که در جدول زیر به اختصار به آن می پردازیم:

جدول ۱- رویکردهای متفاوت حس تعلق (فروزنده و همکاران، ۱۳۹۰)

ابعاد	مفروضات	مفروضات معرفت شناختی	مفروضات هستی شناختی
کمی و کیفی	رابطه حس تعلق و جنبه های شناختی انسان	ماهیت حس تعلق از ابعاد انسانی	

۴-۵- حس تعلق از رویکرد معرفت شناسی

مطالعات بسیار زیادی در مورد شناخت حس تعلق و ارتباط آن با جنبه های مختلف انسانی توسط علوم مختلف صورت گرفته است. متفکرین مختلفی در حوزه های گوناگون به تبیین و شناخت این حس و نقش آن در زندگی انسانی پرداخته اند. به طور کلی این گروه از متفکرین را می توان در دو دسته تقسیم بندی کرد:

گروه اول: پدیدارشناسان

گروه دوم: روانشناسان محیطی (فروزنده و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۶- حس تعلق از منظر پدیدارشناسان

از نگاه پدیدارشناسان جغرافیای انسانی حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تاثیر میان مردم و مکان با اجزا تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط می گردد و با گذر زمان عمق و گسترش بیشتری می یابد (Tuan, ۱۹۷۴). از نگاه این رویکرد، تجربه اصلی ترین رکن ادراک مفاهیم و معنای یک مکان است و لذا معنا در یک مکان، ارتباط مستقیم با نحوه ادراک انسانی و مقولات مربوط به آن را دارد. تحقیقات به عمل آمده نشان می دهد که هرچه مدت ارتباط افراد با یک مکان بیشتر می شود، به همان نسبت شناخت و ادراک انسانها از آن مکان افزایش یافته و امکان ایجاد معنای تعلق در محیط نیز افزایش می یابد (Hidalgo, ۱۹۹۹; Bonaiuto, ۲۰۰۱).

رلف با بیان ارتباط ادراک با تجربه از مکان، اعتقاد دارد که حس مکان انسان ها مفهومی فراتر از خصوصیات کالبدی و عناصر کالبدی در یک مکان را درک می کند و به نوعی پیوستگی و ارتباط ممتد با روح مکان را احساس می نماید (R. Cuthbert, ۲۰۰۶). وی با بیان این امر به ارتباط اساسی و جداییناپذیر مفهوم حس مکان به جنبه های انسانی اشاره داشته و اعلام می دارد آنچه که یک فضا را به یک مکان اعتلا می بخشد، آغشته شدن آن معانی و مفاهیم عمیق است که در طول زمان گسترش و عمق پیدا می کند. از این رو مکان مورد نظر در تعریف رلف حاصل معنای است که در طول با ادراک به دست می آید. این تعریف مفهومی از مکان در طول زمان و ضرورت شکل گیری معنا ناشی از تعامل ادراک انسانی در بستر زمان، مساله ای است که به بعدی از حس مکان اشاره می نماید که عمدتاً به بعد ناآگاهانه و ادراکی در لایه های خاموش تجربه افراد دلالت دارد که از آن به وابستگی و حس تعلق تعبیر می شود که حسی توأم با عاطفه در مکان می باشد. مکان در این حس به صورت ریشه دار تجربه می شود و لایه های مختلف اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد (جوان فروزنده، ۱۳۹۰).

رلف از این حس به عنوان نقطه امن اتکایی فرد از دنیای اطراف خود اشاره می کند و تعلق مهم روحی و روانی فرد به مکان خاص را نتیجه این احساس بیان می کند. این حس تعلق که از سوی جغرافی دانان پدیدارشناس به نام مکان دوستی تعبیر می شود در معماری و طراحی از طریق قلمرو کالبدی با تمایز از نواحی و فضاهای اطراف یا جداسازی کالبدی بیان می شود (Tuan, ۱۹۷۴).

حس تعلق عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی به خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می شود. این حس علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می گردد، باعث دستیابی به هویت برای افراد نیز می شود (فلاح، ۱۳۸۴). در عین حال، حس تعلق مکانی مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می آید. از نظر کریستین نوربرگ شولتز تعلق مکانی در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهایی ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است (Norberg schuls, ۱۹۹۷). از نگاه پدیدار شناسان جغرافیای انسانی، حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تاثیرگذار میان مردم و مکان و اجزا تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش ارتباط و تعامل فرد با محیط می گردد و باگذر زمان عمق بیشتری می یابد (Relph, ۱۹۷۶). از نظر رلف مفهوم حس مکان عاملی است که از یک طرف باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است و از طرفی دیگر عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد به شمار می آید که به هویتمندی افراد و احساس تعلق آن ها به مکان کمک می کند. از دیدگاه پدیدارشناسان مهم ترین مفاهیم مرتبط در بیان حس مکان، واژه مکان دوستی، تجربه مکان و شخصیت مکان است و حس مکان به معنای ویژگی های غیرمادی یا شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد (Relph, ۱۹۷۶).

مکان مورد نظر در تعریف رلف حاصل معانی است که در طول زمان و با ادراک به دست می آید. این تعریف مفهومی از مکان مسئله ای است که به بعد ناآگاهانه و ادراکی از لایه های خاموش تجربه افراد اشاره دارد و از آن به عنوان حس وابستگی یا حس تعلق به مکان تعبیر می شود که حسی توأم با عاطفه در مکان است. مکان در این حس به صورت ریشه دار تجربه می شود و لایه های مختلف اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد. رلف از این حس به عنوان نقطه امن اتکالی فرد از دنیای اطراف خود اشاره می کند و تعلق روحی و روانی فرد به مکان خاص را نتیجه این احساس بیان می دارد. حس تعلق از سوی جغرافیدانان پدیدار شناس به نام مکان دوستی تعبیر می شود (Tuan, 1974). که در معماری و طراحی از طریق قلمرو کالبدی، با تمایز از نواحی و فضاهای اطراف یا جداسازی کالبدی شکل می گیرد (Carmona, 2006).

هایدگر فیلسوف پدیدارشناس اعتقاد دارد که معمار با ایجاد مکان، فرصتی به بنا می دهد که در معرض مواجهه و مرآوده انسان قرار گیرد. اگر مکان به انسان اهدا شود و او نسبت به آن حس تعلق پیدا کند، آنگاه می تواند آن را به خاطر سپارد و در نهایت به آن تقرب جوید. اینگونه است که مکانیت انسان پاسخ داده می شود (صافیان، 1390). نوشته های هایدگر پایه تفکر تئوربسیان های مهمی در معماری قرار گرفت که از مطرح ترین آن ها کریستین نوربرگ شولتز است. شولتز حس مکان را پدیده ای کلی با ارزش های ساختاری می داند که در بستر ادراک و جهت یابی در فضا ممکن می شود (نوربرگ شولتز، 1382). وی در تعریف ماهیت مکان، آن را کلیتی شامل اشیا، عناصر کالبدی ساخته شده و آنچه که در واقع ماهیت یا روح مکان محسوب می شود، می داند و ساختار مکان را شامل منظر، سکنی گزینی، فضا و شخصیت تعریف می کند. شولتز معتقد است ساختار مکان را سه عامل نظم فضایی، مکان شناسی، ریخت شناسی تعیین می کنند.

۴-۷- حس تعلق از منظر روان شناسان محیطی

روانشناسان محیطی سال هاست به مطالعه روابط انسانی با محیط پرداخته اند. این روان شناسان با مطالعه و بررسی محیط زندگی انسانی و بررسی رفتارهای روزمره به تدوین مبانی نظری منطبق بر فضاها و محیط پرداخته اند. واژه قرارگاه رفتاری در این علم توصیفی از یک مکان رفتار است که یک واحد کوچک اجتماعی است که از تلفیق یک فعالیت و یک مکان به گونه ای حاصل می یابد تا در فرآیندی منظم بتواند عملکردهای ضروری آن محیط رفتاری را برآورده سازد (مطلبی، 1380). سه عامل مهم انسانی در قلمرو این دانش اهمیت پیدا می کند. واژه های متعددی نظیر دل بستگی به مکان، وابستگی به مکان، اولویت دهی به مکان، هویت مکان و غیره از جمله این واژه ها می باشد. به طور کلی می توان انواع نگرش های معنایی ارتباط انسان و مکان در روان شناسی محیطی را در رویکردهای شناختی، اجتماعی و احساسی تقسیم نمود (جوان فروزنده، 1390).

۴-۸- بررسی حس تعلق به مکان در عمارت صیامیان گرجی

شهرستان بهشهر در شرق استان مازندران قرار دارد، این شهرستان از شمال به دریای خزر، از جنوب به سلسله جبال البرز و استان سمنان، از شرق به استان گلستان و از غرب به شهرستان نکا منتهی می شود. بنای صیامی در دامنه جنوبی سلسله جبال البرز و در قسمت جنوب روستای گرجی محله، بهشهر قرار دارد. عمارت صیامی دارای نقشه مستطیل شکل است و متراژ زیربنای آن $11/5 \times 14/5$ متر مربع است. این بنا دارای سه طبقه تحتانی، اوسط و فوقانی بوده و با مصالح آجر، گچ، آهک، چوب و بام پوش سفالی ساخته شده است. بخش زیر زمین بصورت سردابه و دارای یک حوض مرکزی به ابعاد $1/5 \times 1/5$ و طاقچه های متعدد در اضلاع مختلف است. هدف از ساخت این حوضچه، جذب رطوبت ساختمان بیان شده است. طبقه اوسط یا میانی بنا دارای یک اتاق در مرکز و تراس با طاقچه های قوسی شکل در چهار ضلع بنا است. در بخش شمالی و جنوبی این طبقه سردریها با شیشه های الوان در قسمت نورگیر تعبیه شده است و همچنین یک ورودی در بخش شرقی و یک ورودی در بخش غربی ساختمان قرار دارد. طبقه فوقانی بنا دارای یک اتاق همانند طبقه میانی و دارای سه دریاها در چهار جهت اصلی بنا است.

جغرافیای این ساختمان 18 هکتار است. چوبهای بکار برده شده در آن از درخت آزاد هستند. یکی از مهمترین ویژگی این بنا این است که در ساخت آن از هیچ نوع فلزی حتی یک میخ استفاده نشده است. استرابن فیلسوف یونانی در دیدار از این عمارت آن را به عنوان یکی از محکمترین بناهای جهان یاد کرده است.

نقوش و تزئینات دندان موشی و طرح های هندسی به شکل لوزی و سروهای استلیزه و ستاره چهاربر به شیوه بندکشی و رنگ آمیزی از دیگر تزئینات بکار رفته در این بنا است. در اطراف بنا، ردیف های سنگ چین به همراه کاه با آجر مفروش گردیده، مشخص است. معماری این ساختمان به عنوان یکی از هنرهای تجسمی گرجیان بوده و برگرفته از معماری گرجستان شوروی می باشد و نقش و طرح های هندسی بکار رفته در آن به عنوان نمادی از خدایان گرجی (گرجستان شوروی) است.

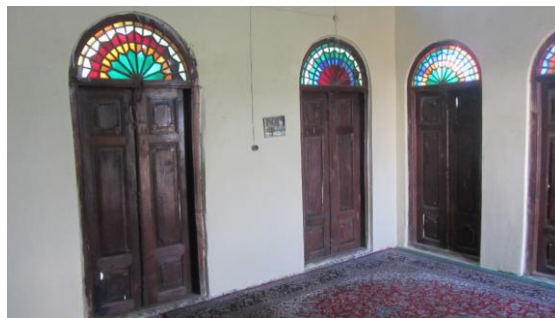
ساختن این عمارت ۷ سال طول کشیده است که مقارن با ساخت پل های الله وردی خان، خواجو و سی و یه پل اصفهان است. سازنده این بنا حاج اسماعیل خان بوده و از این بنا فقط برای اهداف شاه نشینی (بیلاق و قشلاق) استفاده می کرده است نه برای سکونت. این بنا با توجه به فرم معماری و مصالح و تزئینات بکار رفته متعلق به دوره قاجاریه است که عکس هایی از آن در موزه لوور فرانسه، موزه روم و یکی از کلیساهای قدیمی گردشگری تفلیس گرجستان وجود دارد که حاصل دستاورد فیلسوف یونانی استرابن بوده است. (اداره کل میراث فرهنگی مازندران، ۱۳۸۲)



شکل ۲- ایوان عمارت صیامیان گرجی (نگارنده)



شکل ۱- دید از حیاط، عمارت صیامیان گرجی (نگارنده)



شکل ۳- باز شوها و شیشه های الوان عمارت (نگارنده)

با توجه به تصاویر متوجه می شویم که عوامل متعددی در ایجاد دل بستگی به مکان تاثیر گذار است، دانشپور و همکاران به تبیین این عوامل پرداخته اند:

جدول ۲- عوامل شکل دهنده حس تعلق به مکان در خانه صیامیان (ماخذ: دانشپور، ۱۳۸۸)

عوامل حس مکان	شرح عنوان
عوامل کالبدی	مهمترین عوامل کالبدی موثر در ادراک و حس مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است.
عوامل اجتماعی	دل بستگی به مکان یا رشد تعامل مثبت افراد و تطابق اجتماعی آنها در مکان، توسعه می یابد.
عوامل فرهنگی	گروه ها، خانواده ها، اعضای جامعه و فرهنگ های مشابه در دل بستگی به یک مکان خاص اشتراک دارند. از سوی دیگر دل بستگی به مکان وابسته به فعالیت هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می دهند.
عوامل فردی	افراد بر اساس ترجیحات آگاهانه ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی های فردی آنها می باشد، مکان ها را انتخاب می کنند و به آنها دل بسته می شوند.
خاطرات و تجارب	دل بستگی به مکان عموماً پس از آنکه افراد تجربه دراز مدت یا قوی با یک مکان دارند، اتفاق می افتد و در این فرآیند است که مکان، معنا می یابد.
رضایتمندی از مکان	رابطه عاطفی بین فرد و مکان به رضایت وی از مکان و نحوه ارزیابی آن بستگی دارد. و میزان آن وابسته به ادراک فرد از مکان و میزان رضایت او از آن است.
عوامل فعالیتی و تعاملی	در واقع این امر ریشه در نحوه تعامل افراد با مکان کالبدی و اجتماعی در قالب تعاملات شناختی، رفتاری، عاطفی و معنایی دارد که نتیجه آن دل بستگی به مکان است.
عامل زمان	همانگونه که پیشتر ذکر شد عامل زمان یا به عبارتی طول مدت سکونت و آشنایی با مکان، در افزایش دل بستگی به مکان نقش دارد.
مشارکت در طراحی مکان	حضور افراد در فرایند خلق مکان سبب می شود که آنها احساس بیشتر و بهتری نسبت به آن مکان داشته باشند.

۵- بحث پیرامون یافته‌ها

برداشت کلی حاصل از تعاریف حس تعلق به مکان نشان می‌دهد که حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است. این مفهوم از یک سو ریشه در تجربه‌های ذهنی همچون خاطره، سنت، تاریخ، فرهنگ، اجتماع و غیره دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌هایی عینی و بیرونی در محیط مانند طرح، منظره، بو و صدا است که نشان می‌دهد حس تعلق به مکان مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده از مکان به وجود می‌آید. به این ترتیب فرد به مکانی که در آن زندگی میکند مجموعه‌ای از پیش تصورات دریافت شده قبلی را می‌دهد، این پیش تصورات چگونگی پاسخ او به محیط را شکل می‌دهند. در بعضی مواقع فرد به مکانی که با این پیش تصورات شکل گرفته، در طول زمان شکل جدیدی می‌دهد. هرچند آشنایی مداوم و زیاد یکی از عواملی است که موجب حس مکان می‌شود، ولی به تنهایی کافی نیست. ویژگی‌های کالبدی با تسهیل فعالیت‌ها و ایجاد هویت، حس مکان را تقویت می‌کنند. طبق مدل کانتز عوامل کالبدی به واسطه کیفیت طراحی، معانی و فعالیت‌ها بهبود می‌بخشند و با مرتفع ساختن نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان باعث سلسله‌ای از ادراکات، رضایتمندی و در نهایت ایجاد حس مکان می‌شوند.

با توجه به بررسی مفهوم حس تعلق در دیدگاه مختلف، عوامل شکل دهنده حس تعلق را می‌توان در سه گروه عوامل ادراکی-شناختی، اجتماعی و کالبدی تبیین نمود. عوامل ادراکی-شناختی شامل انگیزش‌ها، شایستگی‌ها، ادراک و شناخت فرد از مکان می‌باشد. عوامل اجتماعی شامل نمادهای فرهنگی و اجتماعی است. عوامل کالبدی شامل شکل و اندازه عناصر، روابط و چیدمان و بافت و تزئینات است. با بررسی و تحقیقات میدانی به این امر واقف شدیم که ساکنین خانه مذکور بیشترین حس تعلق به مکان را نسبت به خانه صیامیان دارند. پس می‌توان گفت متغیرهای زیادی در این حس تعلق به خانه صیامیان گرجی دخیل بوده است، منجمله شکل و اندازه عناصر، روابط و چیدمان و بافت و تزئینات که برای ساکنین از سایر موارد مثل امکانات، مهم تر بوده است. البته می‌توان گفت که در خانه‌های سنتی به سبب وجود فضاهای معماری کارآمد و استفاده از تزئینات مناسب، زیبا و طراحی تکامل یافته که در طول تاریخ معماری به وجود آمده است، از دید ساکنان معنای خانه بودن را بیشتر القا می‌نماید.

۶- نتیجه‌گیری

خانه اولین و مستمرترین مکانی است که فرد با آن در ارتباط است. چنان که در علم روانشناسی اثبات شده است، شخصیت فردی و اجتماعی افراد در سنین اولیه رشد شکل می‌گیرد و معمولاً بیشترین مکانی که ظرفی برای بروز رفتارها و یادگیری هاست، خانه است. همچنین در طول زندگی نیز، در فراز و فرودهای زندگی خارج از خانه، افراد در بازگشت به خانه در پی جست و جوی مامن و مکان آرامش هستند.

خانه مسئولیت مهم و پیوسته‌ای در تمامی مراحل زندگی افراد دارد. اگر این امکان در پرورش کارکردهایی که برای آن متصور شده ایم باز بماند، نقصانی در ابعاد گوناگون انسان به وجود خواهد آورد. این نقصان به صورت فقدان یا کمبود حس تعلق میان ساکنین و خانه بروز می‌یابد. به زبان ساده‌تر، افرادی که در یک خانه زندگی می‌کنند، خود را متعلق به خانه و آن خانه را شبیه به خود نمی‌یابند؛ شبیه بودن در حقیقت بازتابی از هم پوشانی هویت‌های خانه و ساکنین و شکل‌گیری حس مکان است. خانه‌های تاریخی را می‌توان بخشی از گنجینه‌های ارزشمند تاریخ هنر و معماری ایران دانست. با به میان آمدن معماری سنتی خانه‌های ایرانی، ناخودآگاه معانی دلبستگی به فضای معماری به ذهن‌خطور می‌کند. معماری گذشته ایران مانند دیگر هنرها و دانش‌ها، بهترین خود در مکان و زمان خود بوده است.

در این پژوهش به بررسی حس تعلق به مکان در خانه صیامیان گرجی پرداخته شد. و نتیجه‌ای که حاصل شد نشان از رضایتمندی و علاقه و حس تعلق به مکان برای ساکنین این بنا بود.

نتایج و بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخصه‌های ایجاد حس تعلق به یک خانه از نظر استفاده‌کنندگان، عناصر کالبدی آن خانه است. عناصر کالبدی به طور مستقیم باعث ایجاد علاقه به خانه و دلیل انتخاب ساکنین خانه شده است. از ویژگی‌های بکار رفته در خانه که میزان رضایت بالای ساکنین را جلب کرده است می‌توان به شکل و اندازه عناصر مانند: شکل و اندازه حیاط و ایوان‌ها یا سردر و نورگیر و درو پنجره و دیگری بافت و تزئینات شامل: حیاط، تزئینات نما و تزئینات فضای داخل اشاره کرد. امید می‌رود معماران با مدنظر قرار دادن الگوهای مناسب از خانه‌های سنتی به طراحی خانه‌هایی دست یابند که با توجه به امروزی بودن آنها، دارای الگوهای مناسب خانه‌سازی گذشته نیز باشد؛ تا به این طریق ساکنین خانه‌های امروزی بتوانند در خانه‌ای زندگی کنند که سرشار از احساس تعلق و علاقه و دلبستگی به مکان زندگی‌شان باشد.

۱. اداره کل میراث فرهنگی مازندران، (۱۳۸۲)، «راهنمای آثار تاریخی- فرهنگی استان مازندران- بهشهر»، ص ۱۴
۲. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۹۰)، «سیر اندیشه ها در شهرسازی ۳ (فضا تا مکان)»، جلد سوم، آرمان شهر، تهران، ص ۷۶
۳. پرتوی، پروین، (۱۳۸۲)، «مکان و بی مکان رویکردی پدیدارشناسانه»، نشریه هنرهای زیبا، ۱۴: ۴۰-۵۰
۴. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۴)، «روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان»، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان، صص ۳۸-۳۴
۵. جوان فروزنده، علی، مطلبی، قاسم، (۱۳۹۰)، «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، مجله هویت شهر، سال پنجم، ۸: ۳۷-۲۷
۶. حبیبی، رعنا سادات، (۱۳۸۷)، «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، نشریه هنرهای زیبا، ۳۵: ۳۹-۵۰
۷. دانشپور، سید هادی، سپهری مقدم، منصور، چرخچیان، مریم، (۱۳۸۸)، «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، نشریه هنرهای زیبا، ۳۸: ۳۷-۴۸
۸. سرمست، بهرام، متوسلی، محمد مهدی، (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان مطالعه موردی شهر تهران»، مدیریت شهری، ۲۶: ۱۳۳-۱۴۶
۹. سروش راد، مطهره، (۱۴۰۲)، «حس مکان و فضای بینایی در کالبد خانه ایرانی»، رساله دکتری، رشته معماری، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۴۸-۴۳
۱۰. صافیان، محمد جواد و دیگران، (۱۳۹۰)، «بررسی پدیدارشناختی- هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری»، نشریه پژوهش های فلسفی دانشگاه تبریز، ۸: ۹۳-۱۲۹
۱۱. عابدی، محمدحسین و دیگران، (۱۳۹۸)، «بررسی مفهوم حس تعلق مکانی در خانه های ایرانی»، فصلنامه پژوهش های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، ۲: ۶۰-۴۵
۱۲. فلاحی، محمد صادق، (۱۳۸۴)، «نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجدها»، نشریه هنرهای زیبا، ۲۲: ۶۶-۵۷
۱۳. فلاحی، محمد صادق، (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶: ۵۷-۶۶
۱۴. گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱)، «جهانی شدن فرهنگ و هویت»، تهران، نشر نی، صص ۶۹-۶۵
۱۵. مدیری، آتوسا، (۱۳۸۷)، «مکان»، مجله هویت شهر، صص ۷۹-۶۹
۱۶. مطلبی، قاسم، (۱۳۸۰)، «روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری»، مجله هنرهای زیبا، ۱۰: ۶۷-۵۲
۱۷. منصوری، امیر، (۱۳۸۹)، «چستی منظر شهری و بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران»، ماهنامه منظر، ۹: ۳۴-۲۴
۱۸. منصوری، امیر، قره بیگلر، مینو، (۱۳۹۰)، «کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان»، فصلنامه اطلاعات شهر ایرانی اسلامی، زمستان ۹۰، ۶: ۷۳-۶۳
۱۹. نوربرگ شولتز، کریستین، (۱۳۸۴)، «مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی»، ترجمه محمود امیریاراحمدی، انتشارات آگه، تهران، صص ۹۸-۸۷
20. Bonaiuto, Marino, Aiello Antonio, Perugini, Marco, Bonnes, Mirilia, Ercolani, Anna, Paola(1999), Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in The Urban Environment, Journal of Environment Psychology, vol 19, pp 331-352
21. Carmona, Mathew(2006), Public Places, Urban Spaces, Architectural Press, Elsevier, Oxford
22. Hidalgo, Carmona & Hernandez, Bernard(2001), Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions, Journal of Environmental Psychology, vol 21, pp 273-281
23. Morley, D, and K, Robins(1996), Space of identity, London: Routledge
24. Relf, Edward(1976), Place and Placelessness, London: pion
25. R. Cuthbert, Alexander(2006), The form of cities, Black well publishing, Australasia
26. Steele, Fritz(1981), The sense of place, Boston: CBI Publishing Company
27. Tuan, Yi-Fu(1974), Topophilia, Englewood cliffs: Prentiss- Hall